



۲۰۱۶/۱۱/۱۰



مصطفی «عمرزی»



شور و غوغا در میان موانع سمنتي

هجوم آمريکاييان و سقوط طالبان، عدم توازن را به نفع مخالفان طالبان تا عمق لايه هاي اجتماع کشانيد و در آن جا هايي که مخالفان دولت با تکیه بر نیرو هاي آمريکايي، فرصت یافته بودند، حال و هوا، سواي آن چه نبود که در گذشته افغانستان- با وجود عبور از تمامی بحران ها، طبيعي مي نمود.

مخالفان طالبان در اين شانس عظيم (هجوم آمريکاييان) تمامی خواسته ها و آرزو هاي خود را تجربه کردند؛ هرچند بخش عمده ي آن ها، دوباره به مخليه هاي آنان منتقل شد، اما آشکار است که سهم آنان براي غضب، تراج و سوء استفاده هاي عظيم مالي و پستي، حاکميت کرزي را در يك سيستم ايتلافي تا آخرين روز آسیب زد و بدتر از همه، چنان ميراثي برجا گذاشته است که مي رود تا نظام اداري افغانستان را ساليان زيادی براي بقايي گروه هاي تنظيمي، تضمين کند. اين تراژيدي که به گونه ي غير متوازن و يك جانبه، حقوق تمام اقوام را نقض کرد، در حاکميت کرزي، اسناد زيادی دارد و هرگز پوشيده نخواهد ماند؛ اما آن چه در اين نگارش مي آيد، اشاره بر بُعدي ست که چه گونه مخالفان طالبان با گونه اي از ذهنيت هاي قومي- با تحريف تاريخي، تلاش هاي عظيم کردند تا انحصار قومي به نفع يك گروه و يك منطقه را توجيه کنند و اين توجيه با پشتوانه ي براهين و آن چه آن را مبارزه براي عدالت اجتماعي نام نهاده بودند، بيشتر از همه، دنبال پشتون هاي افغانستان مي افتد تا ضمن سمت و سو بخشيدن به اتحاد جهاني بر عليه طالبان، از اين رويکرد براي سرکوبي و ستم بر پشتون ها، استفاده هاي مزيد نمايند. گوشه هايي از ترجمه ي کتابي از خانم کتي گنن (ژورناليسټ و افغانستان شناس) را در کتاب «اسنادي از سال هاي خون و خيانت جهادي» خواندم و بر خود پيچيدم که با تجربه ديگري در مواجهه با جامعه جهاني، چه گونه ميراث شوم ستميان و پرچمياني که زماني با سربازان شوروي به مناطق پشتون نشين مي رفتند و به بهانه ي مجاهدين، روسان را فريب مي دادند تا با حمله ها و وحشيگري هاي بزرگ، زيان ها مادي و جاني عظيم را بر مردم بي گناه ما وارد کنند و بر اثر اين عملکرد، هزاران دوسيه ي جنايي عظيم خيانت ملي و نقض حقوق بشري، باز مانده اند که خواهان بررسي اند.

همچناني که سيستم اداري افغانستان زير فشار معامله و تحميل، ستم عظيم را بر مردم افغانستان وارد کرد، پشتون ها را تا زماني که کساني از خبره گان و بزرگان آنان، مجال يافتند روابط گسسته را با آنان ترميم کنند، درست همانند تجاوز روسان، آسیب رسانيد و اداره ي کرزي بآن همه فرو رفت در لجن حاکميت هاي معامله يي، هرگز نتوانست به جفا هايي که بر قوم ما رفت، پاسخ گويد.

کتاب خانم گنن که بايد به زودي ترجمه شود، پرده از راز هاي برداشته است که چشم پوشي بر آن ها، هرگز در شان مردم ما نيست. مقامات ناتو و دوستان خارجي ما تايبيد کرده اند ده ها حمله و هجوم بر مناطق پشتون نشين را

د پانو شميره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ

که بعد تر ثابت می شدند همه نادرست و اشتباه بودند، بر اثر سفارش شماری از مخالفان طالبان که اینک متحد آنان بوده اند، انجام داده اند. این و نمونه های دیگر، مارا ملزم می سازند در کنار امیدواری بر آوردن نظام جدید، اصلاحات را با تمامی آگاهی ها بر امور، پی گیری کنیم.

حاکمیت رئیس جمهور کرزی با وجود تلاش های نیک او برای احتراز از درگیری جناح ها و تضعیف حلقه هایی که با نام اپوزیسیون می ساختند و بالاخره گرایش ملی برای توجه به مردم عادی که زمینه های کوچکی برای غیر وابسته گان را فراهم ساخت، و حفظ توازن در میان جریان های با پیشینه که هر آن برای به بحران کشانیدن افغانستان، تلاش می کردند، او را در راس اهرام انتقاد قرار نخواستند داد، اما آن چه در بررسی حاکمیت او خیلی مهم است، تهدیدات و انواع ستم ها، توهین ها و چشم پوشی ها بر منافع افغانستان، ارزش ها و تاریخ کشور ماست که در همه ی انواع آن، پشتون ستیزی و حق تلفی بر آنان، اهم شمرده می شود.

می گذرم از این که بر سیمای تار حاکمیت، بسیار پرداخته اند، اما جالب تر از همه، نوعی از تهدید و هیاهویی بود که باز هم از آدرس مخالفان طالبان- در چنان محدوده هایی بلند می شدند که دیگر نمی شود بحث سُخره و تهدید پشتون ها را با آن ها طنز نساخت.

در تمام موضع گیری هایی که به نام حقوق قومی از چپاول دارایی ها تا کرسی های کابینه و دولت، تذکره ی الکترونیک و نفي طالبان و مخالفان مسلح حکومت، اتخاذ کرده اند، در چنان حال و هوایی بیان شده است که گویی زندانیان مرفع برای حقوق خویش در میان زندان ها، مبارزه می کنند.

هرگز نفهمیدم و ندانستم که آیا در حاکمیت کرزی، صرف نظر از معامله ها و موارد سری، کسی ندانسته است یلانی از قماش والی بلخ که می روند با استفاده از ضعف ها و فرصت ها، شکل های مصنوعی دیگری برای بحران بسازند، هرگز جرات داشته اند حتی در جغرافیای ولایت خویش- بیرون از احاطه های زیر حفاظت شدید نیرو های خارجی و طرفداران خود، کاری در جهت اغتشاش کنند؟ تشویق بی کاران و جوانان بی سواد و آواره برای خط و نشان کشیدن در برابر منافع ملی افغانستان، هرگز برای کسانی که گذشته ی حاکمیت های تنظیمی را به یاد دارند، هراس آور نیست. یاد مان نرفته است که مخالفان طالبان، هر یک با انبوه تسلیحات- در حد قدرت های منطقه یی، فقط در برابر طالبان مجهز با کلاشنیکوف و موتر های دادسن، نود درصد افغانستان را واگذار کردند و نا امیدی از خود، برای روسان و ایرانیان را تا مرز اعتماد آنان بر طالبان، نازل کرده بودند.

بقایای تنظیم هایی که در سیستم اداری افغانستان جا گرفته اند در آن جا هایی که عصبیت قومی آنان دخیل است، فرصت طلبانی بیش نیستند که مانند پرچمیان و ستمیان دیروزی از سربازان آمریکایی، رنگ گرفته اند و بسیار جای افسوس بود که تهدیدات آنان را با بخشایش از حق تمام اقوام افغانستان، جدی گرفتیم. اگر مدیریت کنونی می توانست موضع ضعیف آنان را با فهم از وزن آنان در برابر آنان قرار دهد و آنان را در مواجهه با مخالفان کنونی، هشدار می داد که تهدید نظام و ترویج فرهنگ های ابتدایی که به بهانه ی دیموکراسی و شعار های میان تهی عدالت اجتماعی، انجام می دهند، بیشتر از همه، خود آنان و آینده ی بقایای آنان را صدمه می زند، هرگز از رهگذر روانی در عذاب نبودیم که شماری مجرم با استفاده از فرصت، بخشی از نشرات میان تهی رسانه های صوتی و تصویری و چاپی را برای نمایشات مضحکی احتوا کنند که از توجیه جنایت های آنان تا توهین، تحقیر و دامن زدن به مسایل قومی و تحریف ارزش های افغانی و تاریخ افغانستان، در بدترین صورت، در میان انبوه موانع سمنتی- در حالی که دست به دعایند که تا دیر زمان، در زیر چتر آمریکایی، سوزش گرما و سرمای گذشته های خویش را فراموش کنند، در برابر بزرگ ترین قوم افغانستان (پشتون ها) موضع نگیرند که با آن همه موانع هفت خوان رستمی، لمس آنان ناممکن شده است و مانند بخش هایی از سریال هایی که متأسفانه ادامه یافته اند، وقت ما را برای شنیدن و دیدن گزافه، هدر می دهند.

شور و غوغا در میان موانع سمنتی، از نوع همان تهدیدات خیالی اند که بار ها، ما را در توهم آن ها، تار و مار کرده اند و اما وقتی خمار و خلسه ی سستی و خواب زده گی شکست، ناگزیری پذیرفتن حقایقی که دلخواه نیستند را بروز می کنند که بخشی از عقده های خود ساخته برای دشمنی با ما را می زایند.

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ